

# کارگر

شماره ۷، دوره سوم، مرداد ۱۴۰۴

## به عقیده ما

### آتش بس موقت پس از جنگ

**۱۲ روزه:** رد صلح پایدار از سوی جمهوری اسلامی ایران با اعلام پیروزی در جنگ علیه اسرائیل، ادامه یهود-صهیونیست-ستیزی و برنامه نظامی هسته ای و موشکی توسط خامنه ای

**بدون برچیدن غنی سازی هسته ای و محکوم نمودن جنگ جمهوری اسلامی علیه دولت یهود/تحمیل هولوکاست دوم، ایران روی آزادی را نخواهد دید**

**برای برچیدن برنامه هسته ای و موشکی جمهوری اسلامی و ترک جنگ با اسرائیل/تحمیل هولوکاست دوم؛**  
**برای خاتمه دادن به یهود-صهیونیست ستیزی و یهود کشی در اسرائیل؛**  
**برای اتحاد کارگران ایران و کارگران اسرائیل؛**  
**برای خروج کلیه نیروهای نظامی ایالات متحده از خاورمیانه و نفی بمباران ایران توسط واشنگتن؛**  
**برای سازمان یافتن شوراهای مستقل کارگران و کشاورزان در سراسر ایران؛**  
**برای احقاق حقوق مساوی با مردان جهت زنان؛**  
**برای احقاق حقوق اقوام-ملیت های کرد، ترک، بلوچ و غیره؛**  
**برای آزادی هنر و اندیشه؛**  
**برای رفع ممنوعیت نشریه و حزب کارگر؛**  
**برای استقرار حکومت کارگران و کشاورزان.**

۲- حاصل جنگ ۱۲ روزه تنها انهدام بخش اعظم صنعت غنی سازی ج.ا.ا. نمی باشد. بلکه اسرائیل قادر شد ضرباتی تاریخی به یهود-ستیزی و صهیونیست-ستیزی در خاورمیانه وارد آورد.

با در نظر گرفتن این واقعیت که برای بیش از ۷ دهه، از زمان تشکیل دولت یهود به عنوان مأوای کلیمیان در جهان، یهود ستیزی هدف اصلی دول نیمه مستعمره از غرب آسیا تا شمال آفریقا جهت حفظ منافع لندن و واشنگتن و دیگر دول امپریال قرار گرفته، پیروزی اسرائیل علیه نیروها و دول تحت امر جمهوری اسلامی،

۱- نیروی هوایی اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه ۱۳ ژوئن ضربات فاحشی به صنعت غنی سازی اورانیوم و تاسیسات موشکی ایران وارد آورده و به نقشه تحمیل هولوکاست دوم از سوی جمهوری اسلامی ضربه زد. با این واقعیت، جمهوری اسلامی با شکست دیگری به دنبال از دست دادن "محور مقاومت" در غزه، لبنان، و سوریه روبرو شد و لذا طرح موقت آتش بس و توقف پرتاب موشک جهت یهود کشی در اسرائیل را از طریق مذاکره با واشنگتن پذیرفت.

ادامه یهود ستیزی و صهیونیست ستیزی توسط منزوی کردن اسرائیل را با مشکل روبرو می سازد.

آنچه روشن است موفقیت اسرائیل در جنگ یهود گشی است که از سوی حماس-جمهوری اسلامی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ شروع و روز بعد (۸ اکتبر) توسط حزب الله لبنان ادامه یافت که پس از ۱۴ ماه به شکست انجامید و در ادامه سرنگونی دیکتاتوری اسد در سوریه را بیار آورد. واضحست که برتری کامل نظامی اسرائیل کل جبهه تاریخی یهود ستیز در خاورمیانه (و جهان) تحت رهبری نظام امپریال و ج.ا.ا. را در معرض شکست قرار داده است. لکن تنها استقرار حکومت کارگران و کشاورزان می تواند به برنامه غنی سازی اورانیوم و موشک های دوربردی که ج.ا.ا. مدعی است در سراسر کشور پراکنده می باشد و کماکان به جا مانده اند پایان دهد.

۳- در خاتمه جنگ ۱۲ روزه، خامنه ای (مقام ولایت) پس از خروج از مخفیگاه (که آحاد ملت از آن بی بهره اند)، بمباران صنعت غنی سازی و موشکی را به هیچ انگاشت و حاصل جنگ ۱۲ روزه علیه اسرائیل (و ایالات متحده) را پیروزی اعلام نمود. او همچنین بر ادامه برنامه غنی سازی و موشکی تاکید گذاشت که این موضع گیری از سوی محافل گسترده یهود ستیزی در سطح بین المللی و منابع خبری سرمایه داری مالی خوشامد گفته شد. اما شکست وارد آمده بر تاسیسات غنی سازی هسته ای و موشکی ایران سرعت تحولات سیاسی را بالا می برد. با گذشت قریب دو سال از بزرگترین یهود گشی از زمان جنگ دوم بین الملل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که با پشتیبانی و تأیید تهران صورت گرفت، جمهوری اسلامی در پی شکست در برنامه هسته ای موشکی در ضعیف ترین موقعیت سیاسی از زمان تشکیل علیه انقلاب ۱۳۵۷ قرار گرفت.

۴- با ضعیف شدن موقعیت سیاسی، دستگاه حاکم ج.ا.ا. موج جدیدی از بازداشت و اعدام را در کشور برپا داشت. اعلام ادامه غنی سازی اورانیوم و گسترش موشک سازی از همین ضعف ناشی می شود. سایت های خبری دولتی، همانند فارس نیوز و دیگران پُر از اظهار نظر برای تولید هرچه سریعتر بمب هسته ای

است. نشانه عملی این ضعف در کشور با بازداشت بیش از ۷۰۰ تن به اتهام حمایت از اسرائیل بیان می شود. حمایت از اسرائیل در کشور اینک مجازات مرگ اعلام شده است. اعدام منتقدین حکومت با پاپوش دوزی جاسوسی تشدید می گردد.

فشار بر اقلیت کلیمی و بازداشت آنان که بنابر تعریف با دولت یهود سنخیت دارند اضافه می گردد. کل اقوام، منجمله عرب، کرد، بلوچ و دیگران، و همچنین اقلیت های دینی، تحت فشار دستگاه امنیتی-نظامی حاکم قرار می گیرند. تهاجم حکومت متوجه زنان که مطابق عادت سنتی عرفی در جامعه ظاهر شده اند، در خیابان ها شده است. مهاجران افغان، حتی آنان که از دارای اسناد رسمی اشتغال بوده و برای بیش از یک دهه با خانواده های خود در ایران هستند در ساعات اولیه صبح در خانه هایشان همراه با کل خانواده برای اخراج از کشور بازداشت می شوند. زندانیان سیاسی، زن و مرد، از اوین با اعمال خشونت به زندان های دیگر انتقال یافته، وضعیت حبس آنان بدتر شده و وسائل و داروهای که در اختیار داشته اند از آنان سلب گردیده است. حتی برای برخی از مطبوعات هیات حاکم توجیه پذیر نیست که زندانیانی که خطری متوجه کسی نمی کنند چرا به مرخصی فرستاده نمی شوند. رسانه های کشور یکپارچه یهود-ستیزی و صهیونیست-ستیزی را تبلیغ می کنند و ارقام وسیع از کشتار یهودیان در اسرائیل توسط موشک های جمهوری اسلامی را اعلام می نمایند. مواضع دستگاه امنیتی برای اعدام نماینده آژانس بین المللی اتمی و همینطور اعدام سران ایالات متحده و اسرائیل احساسی از موج سرکوب مردم عادی در کشور را که با حکومت همدردی نمی کنند بدست می دهد.

نشریه سوسیالیستی کارگر (گاه نامه)  
سر دبیر بابک زهرائی

Kargaronline.com

[kargar.co](http://kargar.co)

[support@kargaronline.com](mailto:support@kargaronline.com)

[contact@kargaronline.com](mailto:contact@kargaronline.com)

برای مقالات و گفتگوهای قبلی (ویدئو و صوتی) به این آدرس رجوع کنید :

[babakzahraie.blogspot.com](http://babakzahraie.blogspot.com)

[babakzahraie@gmail.com](mailto:babakzahraie@gmail.com)



"کارخانه جهان" عنوان یافت. طی دو دهه بشکرانه سرمایه گذاری و اشنگتن و شرکای آن رشد دو رقمی در اقتصاد چین به نمایش گذاشته شد. رشد بی سابقه چین در کشوری با خصوصیات نیمه-مستعمره و تحت امر سرمایه داری دولتی، پیوند اقتصاد چین با ایالات متحده در کمر، نظام امپریال بجا مانده از جنگ بین الملل دوم را معوج کرد. بدین ترتیب، رقابت کنونی و اشنگتن با پکن، به صورت مرکزی ترین رقیب و اشنگتن در جهان، بدست و اشنگتن پایه ریزی شد.

۶- طی دهه اول قرن بیست و یکم، با شکست برنامه های اشغال افغانستان و عراق، و اشنگتن برنامه جداسازی خود از جنگ های اش در خاورمیانه را اتخاذ کرد. درگیری نظامی مستقیم و ناکام در افغانستان و عراق جایش را به برقراری بزرگترین حضور نظامی و اشنگتن، بیش از ۴۰ هزار نظامی و ده ها پایگاه نظامی در سراسر خاورمیانه داد. موقعیت و اشنگتن در پرتو این ناکامی ها ضعیف تر شد.

رشد یهود ستیزی بین المللی همراه با بحران نظام سرمایه داری مالی با لرزه بر سیادت شیعه-بازار که برای بیش از ۴ دهه برپا داشته شده، همراه می باشد.

۵- وضعیت بین المللی سرمایه داری مالی تحت رهبری و اشنگتن با فهم نادرست از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ و فروپاشی سیطره استالین، منجی دیرین امپریالیسم برای ۷ دهه، تضعیف شد. و اشنگتن با فهم نادرست از سرنگونی سیطره استالینیسم، خود را یکه تاز بین المللی قلمداد نموده، و دست به یک سلسله جنگ های فتح افغانستان و عراق زده، تضعیف موقعیت بین المللی اش را بدست خود هدایت نمود.

طی مدت زمانی که از فروپاشی اتحاد شوروی می گذرد، چین به قدرت اقتصادی دوم بین المللی سرمایه داری بدل شد. با انتقال صنایع و کارخانجات از ایالات متحده به چین در تعقیب نیروی کار ارزان، نامبرده

در پی خلاء قدرت ایجاد شده از شکست فتوحات نظامی اش در افغانستان و عراق، نیروی میلشیای سرمایه داری بومی از نوع سنی (آیسیس) و شیعه (سپاه قدس، میلشیای تحت امر پاسداران جمهوری اسلامی) رشد کرد.

۷- جمهوری اسلامی موقعیت را برای کمک به سرکوب بهار عربی سوریه در ۲۰۱۱ و تحکیم دیکتاتوری اسد مغتنم شمرد. برای اینکار با مسکو به عنوان نیروی هوایی میلشیای تحت امر قاسم سلیمانی هم پیمان شد. حمایت ضمنی و آشنگتن از حفظ دیکتاتوری اسد بیان شد. قبل تر، امکانات ایجاد میلشیای تحت امر سلیمانی در دوران مقاومت ایران در برابر تجاوز نظامی صدام حسین با پشتیبانی و آشنگتن و مسکو، صورت گرفت.

طی جنگ عراق، رهبری شیعه-بازار، که تاسیس آن به الگوی کودتای ۲۸ مرداد سازمان سیا از سوی محور زاهدی-کاشانی<sup>۱</sup> برمی گردد، به ممنوعیت

اشیعه‌بازار اصطلاحی است که به غالب گرایشات سیاسی سرمایه داری در ایران، جایی که مذهب شیعه و منافع بازار طلاقی می‌کند، اطلاق می‌شود. آیت الله کاشانی به صورت عامل شیعه-بازار در سیاست ایران عمل نمود و با زاهدی، یار غار او در دوران حمایت از نازیسم آلمان در دهه ۱۹۳۰ میلادی، در پیروزی ارتجاعی کودتا علیه مصدق (۲۸ مرداد ۱۳۳۲/۱۹۵۳ میلادی) هم پیمان شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد، آیت الله خمینی به صورت نماینده سیاسی شیعه-بازار در سیاست ایران ظاهر شده و عمل نمود. طالقانی و منتظری و دیگر علمای شیعه نیز از همین دست بودند. پیش از این شخصیت‌ها، در انقلاب مشروطه شیعه‌بازار به صورت سیمای سیاسی غالب سرمایه داری ظاهر شد. رهبران مشروطه خواه مانند بهبهانی، نائینی، طباطبائی و غیره غالباً شیعه‌بازار بودند. آیت الله فضل الله نوری، رهبر مشروطه که بطور غیر موجه از سوی رهبران مشروطه خواه به داراویخته شد نیز شیعه‌بازار بود.

جبهه ملی ایران در سال ۱۳۲۸ توسط محمد مصدق، حسین فاطمی و کریم سنجابی تاسیس شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد که به سبب حمایت جبهه ملی و استالین (حزب توده) از سلطنت پهلوی دوم امکان موفقیت یافت دوره شکست و سقوط بدون نبرد جبهه ملی (همین امر درباره استالینسم ایران-حزب توده-نیز صادق است) را داریم. چندین جبهه ملی با شمارش‌های متعدد پدیدار گشتند. در این جریان فقراتی و شکست و فروپاشی جبهه ملی پس از کودتای ۲۸ مرداد، مهدی بازرگان، برجسته ترین نقش را در دوری نظری از استقلال و آزادی ملت بازی کرد. مصدق از جریان تاریخی شیعه‌بازار با فرائد نهاده بود و نهضت ملی را عنوان نموده بود. به عبارتی مصدق ملی-بازار بود و نه شیعه‌بازار. پس از شکست نهضت ملی توسط کودتای سازمان سیا، بازرگان استقلال سیاسی محمد مصدق از شیعه‌بازار را مجدانه نفی کرد.

بعد از جریان تاریخی شیعه‌بازار در دوران مشروطه، مصدق برای اولین بار نوع رهبری ملی را در سطح کشور، خارج از محدوده شیعه‌بازار عرضه کرد. پس از کودتا، بازرگان عامل مرکزی عقب گرد از این پیشرفت محدود تاریخی را با تکیه بر برداشت خود از پراگماتیسم بیان داشت (همزمان با عقب گرد تاریخی توسط روش نالیسم اثر علامه طباطبائی که در حوزه علمیه تحت امر دربار پهلوی صورت گرفت و آزادی فکر در خارج از محدوده دین را با تعریف خود ساخته از پراگماتیسم نفی می نمود).

مصدق از میان نجبای قاجار برخاسته بود و از اهمیت نقش مستقل ملت از راه وحدت و فائق شدن بر انشقاق مشروطه-مشروطه بی خبر نبود و در هر صورت برایش راه حلی از خود بروز نداد. علیرغم فاجعه انشقاق صفوف ملت، بازرگان با ایجاد نهضت آزادی مشکل را دو چندان کرد. بازرگان نهضت آزادی را با تعدیل مواضع شیعه سنی احمد کسروی به صورت شیعه منهای آخوند، از گرایش ملی مصدق جدا نموده و در جرگه شیعه‌بازار بنیان نهاد و با ادعای شیعه علمی آن را از ستون ملی که مصدق ابراز کرده بود خارج ساخت.

نامبرده به این نیز اکتفا نکرده، عامل ورود سیاسی نارودنیک، گرایشات خلقی چریکی، به سیاست کشور شد. او از تربیون دادگاه نظامی که با بی عدالتی او را محاکمه می کرد مشی مسلحانه نارودنیک را برای کسب امتیاز از سلطنت عنوان کرد. نتیجه چه شد؟ استبداد پهلوی عملیات ناچیز فدائیان مجاهدین را بهانه تشدید خفقان قرار داد و سرکوب و شکنجه تا دوره حزب رستاخیز از سوی ساواک-پهلوی ادامه یافت.

فعالیت گرایشات مستقل سیاسی، همانند نشریه کارگر و سوسیالیست مستقل، دست زد و رهبران گرایشات سیاسی مزبور را از زمستان ۱۳۶۱ برای سال‌ها بدون هیچ گونه توجیه قانونی حبس نمود. این برنامه از طریق سرکوب حزب توده، همانند ترور-اعدام در تابستان ۱۳۶۰ پیش از سرکوب حزب توده، با رهنمود و پشتیبانی قدرت‌های امپریال به اجرا گذارده شد. رهبری شیعه-بازار از این طریق موفق شد از نقش مستقل ملت جهت سرکوب تجاوز عراق جلوگیری به عمل آورده و برنامه مقاومت ملی را به عملیات نظامی تحت امر خود تقلیل دهد. عملیاتی که تنها قادر بود نسل انقلاب ۱۳۵۷ را بر روی میادین مین جنگ منهدم سازد.

همزمان با سرکوب استقلال سیاسی که از آن نام برده شد، برنامه غنی سازی اورانیوم و ساخت بمب اتمی از زمان دیکتاتوری خونین پهلوی دوم، که به سبب انقلاب ۱۳۵۷ به وقفه افتاده بود، مجدداً از سرگیری شد.

میلشیای تحت امر سلیمانی و نقش سرکوبگر آن در خاورمیانه در به اجرا گذاردن جنگ‌های ناپلئون شیعه، پایه‌های بازسازی و عرض اندام سرمایه داری در دوران پس از ختم جنگ ۸ ساله عراق، قرار گرفت. از این طریق جمهوری اسلامی قادر به موفقیت در سوریه و پیشبرد اهداف ارتجاعی در منطقه شد. پرچم انهدام اسرائیل به عنوان هدف استراتژیک جمهوری اسلامی از سوی کلیت جمهوری اسلامی بیش از پیش برافراشته شد. طی دهه دوم قرن بیست و یکم، رهبران جمهوری اسلامی اعلام نمودند که با صرف ده‌ها میلیارد دلار در برابر صدها میلیارد دلار صرف شده از سوی و آشنگتن به قدرت اول خاورمیانه بدل شده اند.

انقلاب علیرغم گرایشات شیعه‌بازار و مشتقات چریکی آن در سال ۵۷ پیروز شد. در پس این پیروزی شیعه‌بازار تحت رهبری خمینی، و حمایت سرمایه داری مالی بین المللی، حکومت تشکیل داد و به غیر از گرایش سیاسی کارگر از حمایت همه گرایشات سیاسی موجود برخوردار شد. تمام تاریخ سرکوب فکری این و آن در پیش از انقلاب توسط گرایشات شیعه‌بازار و مشتقات چریکی آن، در فصل حکومتی جمهوری اسلامی از سر گرفته شد. نمونه بارز این واقعیت در صحنه جامعه بصورت ترورو اعدام نمایان گردید. پیوند سیاسی بین کلیت جریانات سیاسی سرمایه داری، اعم از شیعه‌بازار یا جبهه ملی، و صد البته انشقاق دائمی آنان، با پافشاری یکسان این جریانات در حفظ سلطنت استبدادی قاجار-پهلوی معرفی می شود (برای فهم بهتر گرایش شیعه-بازار و شخصیت‌های آن در طول تاریخ جدید، مرور کتاب "نهضت امام خمینی" نوشته سید حمید روحانی بسیار گویاست).

امروزه که مساله کلیدی ایران برچیدن غنی سازی اورانیوم و ترک جنگ ارتجاعی علیه دولت یهود می باشد تمام تبلیغات دستگاه حاکم شیعه‌بازار و طرفداران آن علیه موضع همبستگی کارگران ایران و اسرائیل، کسب استقلال و آزادی کشور است. تبلیغات دستگاه حاکم تکرار مکرر اتهامات ساواک-پهلوی علیه مردم زحمتکش است: اتهاماتی مانند "وطن فروش" و "تجزیه طلب"، که مستحق مجازات اعدام است.

از موجودیت اسرائیل"، پائیز ۱۴۰۲). غافل از این که مقاومت قهرمانانه اوکراین در کیف محدودیت های بورژوازی های ناچیز در مسکو و تهران را در همان اوان کار به نمایش گذاشت.

مقاومت اسرائیل در برابر تجاوز نظامی حماس و "محور مقاومت" توخالی بودن امیال بورژوازی ایران در انهدام اسرائیل را به نمایش گذاشت. مابقی تاریخ بود که از شکست حزب الله در لبنان، تا سقوط دیکتاتوری اسد در سوریه، تا شکست سهمگین برنامه غنی سازی و موشک سازی جمهوری اسلامی حکایت کرد..

۱۰- اوج یهود-صهیونیست ستیزی و تشدید بحران اقتصادی سرمایه داری مالی در جهان هم زمان است با جنگ جمهوری اسلامی برای نابودی اسرائیل از طریق سلاح اتمی. تمام کشورهای امپریال جهت بالا بردن هزینه های نظامی در بودجه های کشوری دست بکار شدند. هدف شکستن طبقه کارگر در کشورهای مربوطه است تا راه برای جنگ سوم جهانی هموار گردد.

حقیقت اینست که سرمایه داری مالی در همه مراکز آن ضعف ساختاری خود را آشکار نمود. در ایالات متحده، به سبب وزن اقتصادی-نظامی و نقش مرکزی آن در سیطره بر اقتصاد جهان، او را قادر ساخت تا جریمه بحران اقتصادی را از طریق تعرفه ها و جنگ اقتصادی علیه دیگر کشورهای امپریال بدانان انتقال دهد؛ بدون آن که مشکل اساسی در ایالات متحده را حل کند.

اوج گیری یهود-ستیزی و بحران اقتصادی در سرمایه داری مالی جهانی، فصلی است که، جمهوری اسلامی نیز که با حمایت بین المللی سرمایه داری سرکار آمده و تا امروز ادامه یافته است، با بحران لاعلاج یهود-صهیونیست ستیزی و اقتصاد آشفته، بیکاری، گرانی و فقر مزمن، کلیت میراث شوم استبداد پهلوی، روبرو است. حزب کارگر بر آنست که در پرتو پیشرفت طبقات عام شهر و روستا فصل کاستیهای ارتجاعی ایران به شرح زیر پایان می پذیرد:

**- ختم میهن پرستی کاذب.** وطن پرستی کاذب که با یهودگشی تعریف می شود. تعریف آلمان و میهن پرستی

۸- اگر با صرف ده ها میلیارد دلار می توان به قدرت اول خاورمیانه بدل شد چرا با صرف کم و بیش چنین هزینه ای به قدرت اول اروپا بدل نشویم؟ جهت نیل به چنین دستاوردی، در فوریه ۲۰۲۲ پوتین برای اشغال اوکراین (که با اشغال کریمه از ۲۰۱۴ آغاز شده بود) و از میان برداشتن موجودیت آن به تجاوز نظامی علیه اوکراین دست زد. لیکن ارتش پوتین قادر به فتح کیف نشد. میراث ضد انقلابی استالینسم به صورت قدرت دوم اتمی جهان در زمین، دریا، هوا و فضا قادر به تامین نیازهای ضد انقلابی بورژوازی نوپا نبود. برنامه قدر قدرت اروپا شدن توسط بورژوازی ناچیز روسیه، که پس از تلاشی اتحاد شوروی متولد گردید، به دیوار سنگی بر خورد.

روسیه به مثابه کشوری صادر کننده نفت با اقتصادی هم وزن با ایتالیا، چنانچه مرور زمان نشان داد، بیش از وسع خود وارد میدان جنگ گشته بود. ماحصل برنامه جنگی اش متلاشی کردن چارچوب بین المللی بجا مانده از جنگ دوم جهانی بود. پوتین برای حفظ خود در دراز مدت تنها می توانست بر حمایت قدرت های امپریال، یعنی واشنگتن و هم پیمانان، حساب کند.

همین نوع محاسبات، برنامه چین را، که بیش از روسیه و ایران منابع دلاری دارد، برای سیادت در دریای چین و اشغال نظامی تایوان رقم زد.

۹- اگر می توان با اندام مگس وزن جهت قهرمانی در رتبه سنگین، هم وزن با اقتصاد مجموعه اروپا، وارد عمل شد چرا همین کار در خاورمیانه صورت نگیرد. در اینجا فتوحات جنگ های ناپلئون شیعه تا دیوار اسرائیل در سوریه پیش تاخته است. با چنین پیروزی هائی چگونه می توان به طرح ابراهیم یا هر طرح دیگر برای شناسائی اسرائیل اجازه داد تا میدان عمل داشته باشد. "بر روی اسب بازنده، شرط بندی نکنید." با اعلام مطلب فوق علیه اسرائیل، خامنه ای در کشتار ۱۲۰۰ تن از یهودیان بر دست فرماندهان حماس بوسه زد. مطالب فوق چند روز قبل و پس از بزرگترین کشتار یهودیان در جنوب اسرائیل در ۷ اکتبر، توسط خامنه ای بیان شد (رجوع شود به کارگر شماره ۱، دوره سه، "نه به جنگ ارتجاعی و یهودگشی حماس، در دفاع

ارتجاعی آن در دهه ۱۹۳۰ به بعد، در پرتو یهود-ستیزی و هولوکاست، بر جامعه بین المللی و اذهان عموم تحمیل گردیده است. دفاع از موجودیت دولت یهود همانند دفاع از کیان وطن در کلیه کشورهای خاورمیانه لازم است. آن میهن پرست و وطن دوستی که از ضعیف در برابر هجوم و استثمار اقویا دفاع نکند، از یهود و موجودیت آن در خاورمیانه دفاع نکند، هیچ سنخیت با استقلال و آزادی کشور، و وطن دوستی راستین، ندارد.

از کارگران معدن تا گمرک، از رانندگان کامیون تا رانندگان کلیه وسائط نقلیه عمومی، از کارمندان دولت تا بازنشستگان، از دختران تا زنان در سراسر کشور، از اقوام-ملیت ها تا اقلیت های دینی، از صفوف کارگران صنعتی نفت و کلیه کارخانجات کشور تا کشاورزان کوچک و متوسط، از دانشجویان تا کلیه جوانان، از کارگران مهاجر تا افغان، از صاحبان حرفه، دانشمندان تا صاحبان کسب کوچک، از هنرمندان و روشنفکران تا اندیشمندان، عمل مستقل طبقات عام شهر و روستا بازگو کننده میهن دوستی و عرق ملی است. مبارزه برای حفظ سطح زندگی مردم زحمتکش نماد وطن دوستی است. در این راه موضع ارتجاعی یهود-ستیز و صهیونیست-ستیز هیات حاکم راه همبستگی بین کارگران ایران و اسرائیل، راه استقلال و آزادی میهن را مسدود می کند.

**- ختم تعریف حق و حقوق کاذب.** اینک حق تنها در کلاس املا یکسان برای همه تعریف میشود. بین حق ارتجاعی و حق مترقی و انقلابی فاصله بیش از زمین و آسمان است.

تعریف حق مردم و حقوق ملت و کشور اختیاری نبوده از سوی عینیت تاریخی تعیین می شود. لذا، جمهوری اسلامی در این مورد صاحب اختیار نیستند.

در کشور نیمه-مستعمره همانند ایران حق و حقوق از طریق خواست های فوتی و تاریخی سرمایه داری، به عبارت دیگر وظائف تاریخی دموکراتیک، تعریف و تعیین می شود. این حقوق یا خواست های به حق عبارتند از اصلاحات عمیق ارضی، صاحب زمین شدن دهقانان و یا کشاورزان بی زمین؛ حقوق متساوی با مردان جهت زنان؛ حقوق متساوی اقوام/ملیت ها در

تدریس زبان مادری و برقراری حکومت های ملی؛ حقوق متساوی کارگران با سرمایه داران جهت تاسیس تجمعات مستقل کارگری اعم از شورا، انجمن و اتحادیه کارگری (در شرائطی که حکومت از آن سرمایه داران است و آنان همه چیز را در اختیار دارند)؛ حقوق اقلیت های دینی در ترویج مرام دینی خود بدون موانع حکومت شیعه-بازار؛ حقوق کارگران مهاجر و افغان در برخورداری از امنیت قضائی و شغلی، آموزشی و درمانی، متساوی با کل طبقه کارگر و تامین اتحاد کل مردم کارگر و زحمتکش؛ حقوق هنرمندان و روشنفکران و دانشمندان به خلق آثار هنری، فکری و علمی خود بدون ممنوعیت های حکومت شیعه-بازار؛ حقوق صاحبین کسب کوچک در سازمان یافتن و برخورداری از حمایت اقتصادی دولت و ممنوعیت تضییقات جمهوری اسلامی علیه کسب کوچک.

با جلوگیری از حقوق ملت توسط شیعه-بازار و قدرت های امپریال زمانی که ملت قادر گشت سلطنت استبدادی را ریشه کن سازد، ایران میزبان تعریف و تحمیل حقوق ارتجاعی شیعه-بازار در حکومت جمهوری اسلامی علیه خواست های ملت گردید. در این روند بیلان عملکرد شیعه-بازار عبارت بود از:

- تجاوز به حقوق زنان به بهانه ارج گذاشتن به دستورات شیعه؛ تجاوز دائمی به حقوق زنان در کوی و برزن؛ محدودیت و ممنوعیت حقوق زنان در طلاق، سفر، حضانت فرزندان، خلق آثار هنری، و خواندن و نواختن موسیقی؛

- تجاوز به حقوق اقوام، جلوگیری از تدریس زبان های مادری ملیت ها و برپائی حکومت های ملی، به بهانه های ارتجاعی آشنا از زمان استبداد خونین پهلوی با توجیه تامین وحدت کشور؛

- تجاوز به حقوق جوانان، دانشجویان، هنرمندان، روشنفکران، دانشمندان؛

- تجاوز به حقوق کارگران و کشاورزان؛ تجاوز به حقوق کسبه کوچک؛

تجاوز به آزادی هنر و اندیشه، و آزادی بیان و تجمعات؛

- جلوگیری از انتشار نشریه کارگر، انتشارات فانوس و حبس رهبران سوسیالیست برای سال های متمادی در شرائط غیر انسانی؛

- تعریف حقوق ارتجاعی آمریکا-ستیزی و یهود-صهیونیست ستیزی و تعیین اهداف ارتجاعی جنگ جهت از میان برداشتن اسرائیل — برای تحمیل هولوکاست دوم — که پس از هولوکاست به عنوان مأوای یهودیان جهان مستقر گردیده است؛

- تعریف حق به غنی سازی اورانیوم برای ساخت بمب هسته ای و ساخت موشک های دوربرد برای حمل تسلیحات اتمی. با این توجیه که کشورهای دیگر از این "حقوق" ارتجاعی برخوردارند و ما نیز همین حقوق را خواستاریم.

هیچیک از حقوق ارتجاعی نامبرده حقانیت نداشته و با قانون نویسی و تایید مراجع مقننه در کشور به هیچیک از این قوانین نمی توان بها داد. حقوق به حق مردم تنها از طریق استقرار حکومت کارگران و کشاورزان که صلاحیت طرح و امکان همبستگی ملی را دارند بدست آمدنی است.

گردهمآئی طرفداران حکومت شیعه-بازار، تحت لوای تشیع جنازه، بسیج بدور حقوق ارتجاعی، بیانگر وطن دوستی کاذبی است که همانند برف در تابستان ماندگاری ندارد. رشد و رستگاری ملت با حقوق ارتجاعی تعریف شده از سوی شیعه-بازار میسر نمی باشد.

پشتیبانی عظیم تبلیغات سرمایه داری مالی در آمریکای شمالی و اروپا که از جمهوری اسلامی حمایت می کنند به همراه دستگاه ارتباطی جمهوری اسلامی قادر به تضمین بقا برای یهود-صهیونیست ستیزی و تداوم میهن دوستی کاذب و پیشبرد حقوق ارتجاعی نیست. راه سربلندی ملت احقاق حقوق حقه تاریخی، استقلال سیاسی و کسب وظائف تاریخی سرمایه داری، از طریق تشکیل حکومت کارگران و کشاورزان است.